

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد

سید فرخ افتخاری، آیتاله کرمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

چکیده

در این مطالعه وضعیت فقر و عوامل مؤثر بر آن در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری، ساکنین مناطق روستایی استان بوده که ابتدا با استفاده از جدول نمونه‌گیری پاتن، ۴۰۳ خانوار و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه انتخاب گردید. نتایج نشان داد که خط فقر غذایی، غیر غذایی و خط فقر کل ماهیانه برای یک فرد بالغ در سال ۱۳۸۸ در مناطق روستایی استان، به ترتیب معادل ۳۳۷/۲، ۱۹۵/۶ و ۵۳۲/۸ هزار ریال می‌باشد. همچنین، سرانه، شکاف و شدت فقر غذایی در منطقه مورد مطالعه، به ترتیب ۳۶/۳، ۹/۶ و ۴ درصد و سرانه، شکاف و شدت فقر کل نیز به ترتیب ۳۲/۳، ۸/۶ و ۶/۳ درصد می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که عوامل و تعیین‌کننده‌های بعد خانوار، نسبت افراد دارای درآمد به بعد خانوار، نسبت افراد با سواد به بعد خانوار، مالکیت زمین زراعی خانوار، حمام، تعداد اتاق درخانه، مالکیت تراکتور، رفاه اجتماعی، فاصله روستا تا مرکز شهرستان، استفاده از کمک نهادهای حمایتی، عضویت در تعاونی و استفاده از تسهیلات بانکی مهم‌ترین مشخصه‌های تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد بوده‌اند.

طبقه‌بندی JEL: C21, D12, I32

واژه‌های کلیدی: فقر، مناطق روستایی، کهگیلویه و بویراحمد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - به ترتیب دانش‌آموخته کارشناسی ارشد و استادیار گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج
Email: aiatkarami@yahoo.com

مقدمه

بر پایه آمارهای منتشر شده در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ درصد فقر در کشور جمهوری اسلامی ایران ۱۸ درصد بود. برنامه‌های مبارزه با فقر همان اندازه که به کارایی سیاست‌گذاری و نحوه‌ی اجرای برنامه نیاز دارد، به شناخت ابعاد مختلف پدیده فقر و دلایل و پیامدهایش نیز نیاز دارد. بدین ترتیب بررسی و آگاهی از وضعیت فقر در یک جامعه، اولین قدم در مسیر برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ عرب‌مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳). در سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌های مختلف ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مطرح شده است. بخشی از این ویژگی‌ها عبارت است از: ایرانی برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد و به دور از فقر و فساد (سند چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴).

در تمامی بررسی‌هایی که در رابطه با فقر صورت می‌گیرد، لزوم استفاده از یک خط فقر وجود دارد. تعیین خط فقر به عنوان نخستین گام در این گونه بررسی‌ها، شاید از پرمناقشه‌ترین مباحث در اقتصاد رفاه باشد. خط فقر شامل هزینه‌هایی است که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاهی دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند. این که نیازهای اولیه و اساسی انسان‌ها چگونه تعریف شود، باعث شده تا خط فقرهای متفاوت و در نتیجه نرخ‌های فقر مختلف گزارش شود. بنابراین به‌نظر می‌رسد چگونگی نگرش به مقوله حداقل نیازهای اساسی و تبدیل آن به یک واحد عینی مالی، می‌تواند موضوع مهمی در رابطه با اندازه‌گیری فقر و تقسیم نمونه مورد بررسی به دو گروه فقیر و غیرفقیر باشد. در ایران و خارج از ایران نیز، محققان متعددی سعی در برآورد خط فقر داشته‌اند. نخستین بررسی جامع در زمینه مسأله فقر در ایران، بر پایه آمارهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ در مؤسسه برنامه‌ریزی ایران صورت گرفت (عظیمی، ۱۳۷۱). بر اساس این برآورد، حدود ۴۷ درصد از جمعیت شهری و ۴۸ درصد از جمعیت روستایی در آن زمان دچار فقر تغذیه‌ای بودند. خط فقر با توجه به محتوای تغذیه‌ای هزینه‌های خانوار شهری و روستایی استان‌های گوناگون کشور در گزارش یاد شده، محاسبه و نتایج به دست آمده با تولید سرانه در مناطق روستایی و شهری کشور نیز مقایسه شد.

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۴۱

حسن‌زاده (۱۳۷۹) با نگرش کلان اقتصادی به مسأله فقر به شناسایی عوامل مؤثر بر فقر و اندازه‌گیری شدت تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر فقر در ایران پرداخت. عوامل مؤثر بر فقر در استان‌های کشور نیز در قالب چهار گروه از عوامل فردی و جمعیتی، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های مادی و موقعیت اقتصادی اجتماعی حاکم بر استان‌های کشور در نظر گرفته شد. برای لحاظ کردن اندازه فقر به عنوان متغیر وابسته نیز از سه شاخص سرشماری، سن و شاخص فوستر، گریر و توربک (FGT)^۱ استفاده شد. بر طبق یافته‌های این تحقیق مشخص شد که رشد اقتصادی و افزایش اشتغال می‌تواند باعث کاهش فقر شود. همچنین سیاست افزایش دستمزد نسبت به سیاست افزایش هزینه‌های دولت منجر به کاهش بیشتر فقر می‌شود. در مجموع نتایج مدل‌ها که به روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای برازش شد، نشان داد که نرخ رشد جمعیت، ضریب باروری، اندازه خانوار، وضعیت شهرنشینی، میزان سرمایه‌گذاری خانوار و دولت در امور آموزشی و بهداشتی، رشد اقتصادی، تورم، روند صنعتی شدن و وضعیت دستمزدها و توزیع درآمد و ثروت در کشور از عوامل مؤثر بر شدت و گستردگی حجم فقر در کشور هستند. عرب‌مازار و حسینی (۱۳۸۳) با استفاده از شاخص‌های گروه FGT شدت فقر در خانوارهای روستایی را به دست آورد. وی نتیجه گرفت که ۴۴ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر هستند.

باقری و همکاران (۱۳۸۶) در سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ خط فقر را محاسبه نمودند. نتایج نشان داد که درصد افراد فقیر شهری از ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و درصد افراد فقیر روستایی از ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. شوشتریان (۱۳۸۶) به بررسی عوامل مؤثر بر فقر زنان روستایی استان فارس با استفاده از شاخص FGT پرداخته است. وی همچنین تعیین‌کننده فقر را هم مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که متغیرهای بعد خانوار، نسبت وابستگی، نسبت افراد باسواد و دارای تحصیلات دانشگاهی، وضعیت شغلی و جنس سرپرست خانوار و مالکیت خانه مسکونی به‌عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر هستند.

عمرانی (۱۳۸۸) تعیین‌کننده‌های فقر روستایی در شهرستان زابل را مطالعه نمود. نتایج بررسی وی نشان داد سن سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان خانوار و همچنین مجذور بعد خانوار از مهم‌ترین عامل‌های تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل است

^۱ Foster, Greer, Thorbecke (FGT)

از جمله بررسی‌هایی که در سایر کشورها در زمینه‌ی فقر و بررسی تعیین‌کننده‌های فقر انجام شده است می‌توان به بررسی گارتون (۱۹۹۶) اشاره کرد که پیرامون وضعیت سن و فقر خانوارها انجام شده است و به این نتیجه رسیده که ارتباط میان سن سرپرست خانوار و میزان دریافتی خانوارها منفی است. به زبان دیگر با افزایش سن سرپرست خانوار میزان امکان استفاده از فرصت‌های شغلی برای او کاهش می‌یابد و از سوی دیگر کارآیی وی نیز در فرآیند تولید کاسته می‌شود که در نهایت باعث کاهش درآمد این نوع از خانوارها می‌شود. حداد و احمد (۲۰۰۲) ضمن پیگیری تغییرات در فقر، رفاه و مصرف خانوارهای مصر، عامل‌های مؤثر بر این تغییرات را نیز طی دوره ۹۹-۱۹۹۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که دو سوم از افراد دارای سطح مصرف زیر خط فقر هستند و نزدیک به نیمی از آنها در هر دو دوره زیر خط فقر قرار داشتند. عامل‌های مؤثر بر فقر نیز شامل سطح سواد، شمار اعضای خانوار، ارزش دارایی، شمار فرزندان و شغل سرپرست خانوار ارزیابی شد. بیگستن و همکاران (۲۰۰۲) اثر رشد اقتصادی را بر وضعیت فقر در اتیوپی بررسی نمودند. به منظور پیگیری تغییرات فقر از معیار *FGT* استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیرهایی همچون میزان زمین تحت مالکیت، آموزش، نوع محصولات کشت شده و شغل (در مناطق شهری) از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در فقر هستند.

موکرجی و بنسون (۲۰۰۳) با هدف شناخت عامل‌های تعیین‌کننده فقر در خانوارهای شهری و روستایی مالووی اثر تغییر در برخی از ویژگی‌های خانوارها بر روی فقر و رفاه را مورد بررسی قرار دادند. در این بررسی ابتدا رابطه میان ویژگی‌های خانوارها و میزان مصرف آنها بررسی و سپس با بهره‌گیری از شاخص فقر *FGT* اثر سناریوهای گوناگون تغییر در ویژگی‌های دارای اهمیت بر تغییرات فقر خانوارهای برگزیده بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که بهره‌گیری از این مدل، امکان تعیین ویژگی‌های گروه‌های فقیر را افزایش می‌دهد. نتایج به‌دست آمده از شبیه‌سازی سناریوها نیز نشان داد که افزایش سطح تحصیلات و تخصیص مجدد نیروی کار، به ویژه نیروی کار زنان در خارج از بخش کشاورزی و در بخش‌های تجارت و خدمات می‌تواند منجر به کاهش فقر در مالووی شود.

از آن‌جا که سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدایی بدون توجه به نقشه فقر امکان‌پذیر نیست؛ لذا ضرورت دارد پژوهشگران مستقل و دستگاه‌های دولتی مسئول طرح‌های پژوهشی لازم را برای اندازه‌گیری فقر، برنامه فقرزدایی مبتنی بر اطلاعات کافی تدوین و به اجرا در آورند.

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۴۳

بر پایه اعلام مرکز آمار ایران ۵۱ درصد جمعیت استان کهگیلویه و بویراحمد در مناطق روستایی ساکن می‌باشد (دفتر برنامه‌ریزی استانداری کهگیلویه و بویراحمد سالنامه آمار، ۱۳۸۸). نظر به این که استان کهگیلویه و بویراحمد از استان‌های محروم و فقیر کشور می‌باشد و کاهش فقر و افزایش درآمد از دغدغه‌های مهم مسئولان و برنامه‌ریزان جهت توسعه‌ی استان است، بررسی فقر و تعیین‌کننده‌های آن در این استان مهم و ضروری می‌باشد. استان کهگیلویه و بویراحمد با وسعتی معادل یک درصد از قلمرو جغرافیایی سیاسی کشور و جمعیتی معادل ۰/۹ درصد جمعیت کشور از مناطق محروم و توسعه نیافته کشور می‌باشد. لذا در رابطه با بحث فقیر بودن استان به ویژه مناطق روستایی، پرسش اساسی و اصلی در این پژوهش میزان خط فقر و تعیین‌کننده‌های آن در مناطق روستایی استان می‌باشد.

مواد و روش‌ها

نگاهی بر بررسی‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد که به طور کلی می‌توان دو نوع خط فقر مطلق و نسبی را برای تبیین وضعیت فقر مورد توجه قرار داد. فقر مطلق از محرومیت و ناتوانی فرد در کسب حداقل لوازم معاش و ارضای نیازهای اساسی سرچشمه می‌گیرد. در مقابل فقر نسبی به عنوان ناتوانی از احراز سطح معیشت خاصی که در جامعه کنونی فرد لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۷۹). در این بررسی از خط فقر مطلق بهره گرفته شده است. برای محاسبه‌ی خط فقر مطلق، روش‌های متفاوتی مانند روش اورشانسکی و یا رونتری وجود دارد که در کتاب‌های مرجع فقر بسیار مورد استفاده قرار گرفته و به‌طور معمول، خط فقر کل از مجموع خط فقر غذایی و خط فقر غیرغذایی محاسبه می‌شود. برای محاسبه خط فقر غذایی دو روش عمده وجود دارد: بر اساس سهم غذا که هزینه نیازهای اساسی غذایی محاسبه می‌شود و بر اساس انرژی غذایی لازم که در این روش، از سه راه می‌توان خط فقر را به دست آورد: با استفاده از هزینه‌ای که نیازهای غذایی اساسی را می‌پوشاند، با استفاده از هزینه‌هایی که نیازهای کالری را پوشش می‌دهد و بر اساس ارتباط کالری-درآمد. روش‌های برآورد خط فقر مطلق که نیازهای اساسی و اولیه زندگی را فراهم سازد در ادبیات اقتصاد رفاه، توسعه یافته است. برآورد هزینه لازم برای تأمین نیازهای اساسی به طور کلی در دو مرحله انجام می‌شود. در نخستین گام، حداقل هزینه‌های غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت که به خط فقر غذایی معروف است، برآورد می‌شود. سپس برآوردی از حداقل هزینه‌های غیر خوراکی لازم برای تعیین خط فقر غیر غذایی به‌دست آمده، با خط فقر غذایی

جمع می‌شود تا خط فقر کل به دست آید. روش مورد استفاده در این بررسی، به منظور تعیین خط فقر غذایی، یکی از روش‌های مرسوم در ادبیات موضوع فقر، روش تأمین انرژی غذایی (FEI) است که در تحقیق‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (اوکورات و همکاران، ۲۰۰۲؛ احمد، ۲۰۰۴). در این روش، ابتدا کالری استفاده شده توسط خانوار بر اساس انواع غذاهای مصرفی آن‌ها به دست می‌آید و سپس در مقابل هزینه‌های انجام شده توسط خانوار بر روی غذاهای مورد استفاده رسم می‌شود. در نهایت هزینه‌هایی که لازم است تا حداقل کالری مورد نیاز روزانه جذب شود، توسط محقق محاسبه می‌شود (داکلاس و ارار، ۲۰۰۵).

در این تحقیق، به طور مشخص مراحل زیر برای استخراج خط فقر غذایی به روش FEI انجام شده است. ابتدا هزینه‌ی غذای مورد استفاده توسط خانوار V_j ، از رابطه (۱) به دست آمده است.

$$V_j = \sum_i D_{ij} P_{ij} \quad (1)$$

در این رابطه، V_j ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار j ام، D_{ij} مقدار غذای i ام مصرف شده توسط خانوار j ام و P_{ij} ارزش ریالی غذای i ام است که توسط خانوار j ام خریداری می‌شود. در مرحله‌ی دوم، معادل فرد بالغ برای هر خانوار (H_j) بعنوان جایگزینی برای بعد خانوار محاسبه می‌شود. بدین منظور از معادل‌های پیشنهاد شده توسط دکرون و کریشنان (۱۹۹۸) برای اختصاص معادلی متناسب جنس و سن اعضای خانوار استفاده شد. معادل افراد بالغ بر اساس بررسی دکرون و کریشنان (۱۹۹۸) تعیین می‌شود. سپس از تقسیم ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار j ام بر معادل افراد بالغ همان خانوار، غذای مصرف شده توسط هر فرد بالغ (X_j) در خانوار j ام به دست می‌آید:

$$X_j = \frac{V_j}{H_j} \quad (2)$$

در مرحله‌ی بعد، با استفاده از جداول ارزش تغذیه‌ای، معادل کالری استفاده شده برای انواع غذاهای مورد استفاده توسط هر فرد بالغ خانوار محاسبه می‌شود. بدین منظور، همه‌ی غذاهای مورد استفاده توسط خانوارها به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده و سپس با استفاده از کالری‌های گزارش شده در جدول (۱)، ارزش غذایی برای هر فرد بالغ بر اساس کالری محاسبه می‌شود.

¹ Food Energy Intake

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۴۵

جدول (۱) ارزش تغذیه‌ای هر یکصد گرم گروه‌های غذایی مختلف بر حسب واحد کالری

کالری موجود	گروه‌های غذایی	کالری موجود	گروه‌های غذایی
۵۰	میوه‌های درختی به جز مرکبات	۳۶۰	آرد، نشاسته، رشته و ماکارونی
۴۰	مرکبات	۳۶۰	انواع برنج، گندم و ذرت
۲۵	میوه‌های جالبیزی	۲۸۰	انواع نان
۲۰	سبزی‌های برگی	۳۳۰	بیسکویت و کیک
۳۰	سبزی‌های بوته‌ای	۳۳۰	گوشت دام
۱۰۰	سبزی‌های ریشه‌ای	۲۰۰	گوشت پرندگان
۲۰۰	میوه‌ها و سبزی‌های آماده (کنسرو)	۱۰۰	گوشت ماهی و میگو
۶۵۰	خشکبار و آجیل	۴۴	انواع شیر
۳۰۰	حبوبات	۲۰۰	فرآورده‌های شیر
۴۰۰	قند و شکر	۸۰	تخم پرندگان
۴۵۰	شیرینی‌ها و مرباها	۹۰۰	روغن‌ها و چربی‌های حیوانی
		۹۰۰	روغن‌های گیاهی

منبع: شوشتریان (۱۳۸۶)

مرحله بعد، برآورد جزء غیرغذایی خط فقر است. روش معمول برای برآورد خط فقر غیرغذایی به دست آوردن نسبت هزینه‌های غذایی به کل هزینه خانوارها و تعمیم این نسبت به خط فقر غذایی و خط فقر کل است (داکلاس و ارار، ۲۰۰۵). هر چه سهم هزینه خوراکی از کل هزینه‌ها بالاتر باشد، خط فقر غذایی به خط فقر کل نزدیک‌تر است. در بررسی‌های کاربردی روش‌های متفاوتی برای برآورد خط فقر غیرغذایی استفاده شده است:

روش اول: سهم متوسط هزینه مواد غذایی برای افرادی که کل هزینه‌های آنها برابر خط فقر غذایی است.

روش دوم: سهم متوسط هزینه مواد غذایی برای افرادی که کل هزینه‌های غذایی آنها برابر خط فقر غذایی است.

روش سوم: اضافه خط فقر به هزینه‌های غیرخوراکی برای افرادی که کل هزینه‌ها برابر خط فقر غذایی است.

در روش اول، سهم میانگین هزینه غذایی افرادی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هزینه کل آنها برابر خط فقر غذایی است. در روش دوم، سهم میانگین هزینه غذایی افرادی که هزینه‌های غذایی آنها برابر خط فقر غذایی است، ملاک عمل قرار می‌گیرد. در روش سوم که معمول‌ترین روش است و در این بررسی نیز مورد استفاده قرار گرفته است، هزینه‌های غیرغذایی افرادی مدنظر قرار می‌گیرد که کل هزینه‌های آنها برابر خط فقر غذایی است. از میان شاخص‌های

مختلف فقر، شاخص FGT یکی از پرکاربردترین آن‌ها بوده و در این مقاله نیز از همین شاخص به فرم زیر استفاده شده است.

$$P_{\alpha} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q [(z - Y_i) / z]^{\alpha} \quad (3)$$

در رابطه (۳)، n تعداد کل خانوارها، q تعداد خانوارهای فقیر، Z خط فقر، Y_i درآمد خانوار است. پارامتر می‌تواند سه مقدار صفر، یک و دو را اختیار کند که مقدار صفر شاخص نسبت سرشمار، مقدار ۱ شاخص شکاف فقر و مقدار ۲، شدت فقر را محاسبه می‌کند. شاخص نسبت سرشمار مشخص نمی‌کند که افراد فقیر چه مقدار از فقر رنج می‌برند و یا اینکه برای از بین بردن فقر به چه مقدار منابع نیاز می‌باشد. شاخص شکاف فقر به شدت فقر افراد وزن‌های یکسانی می‌دهد، بدین معنی که همه‌ی افراد به یک اندازه از فقر رنج می‌برند اما با کمک آن می‌توان میزان منابع مورد نیاز را برای از بین بردن فقر محاسبه کرد. در این حالت افزایش (کاهش) درآمد هر فرد باعث کاهش (افزایش) شکاف فقر می‌شود در حالی که سرانه فقر تغییری نمی‌کند. این شاخص اصل یکنوایی (با فرض ثبات سایر شرایط، کاهش درآمد فردی که زیر خط فقر است موجب افزایش میزان فقر می‌شود) را تأمین می‌کند. هیچ یک از این دو شاخص نسبت به توزیع مجدد درآمد حساس نیستند، به عبارت دیگر اصل موضوع انتقال (انتقال خالص درآمد از فردی که زیر خط فقر است به فردی که وضعیت بهتری دارد موجب افزایش شاخص فقر می‌شود) را تأمین نمی‌کنند، لذا برای اندازه‌گیری شدت فقر $\alpha = 2$ می‌باشد که بیانگر میزان گریز از فقر می‌باشد و هرچه این شاخص بزرگتر باشد بدین معنی است که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و به فقیرترین افراد جامعه اهمیت بیشتری داده شده است. به این ترتیب هر چه فاصله درآمدی خانوارها از همدیگر بیشتر باشد یعنی توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شود، این شاخص افزایش می‌یابد، و اگر درآمد از افراد فقیر به افراد فقیرتر انتقال یابد مقدار این شاخص کاهش می‌یابد و برعکس. این شاخص بر اساس منطقه، طبقه درآمد و مکان (مانند شهری یا روستایی) قابل تجزیه به زیر گروه‌هایی که دارای ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی مشخصی باشند در میان فقرا است. بنابراین شاخص می‌تواند شدت فقر در گروه‌های مختلف مردم فقیر را نشان دهد (کرمی، ۱۳۸۸).

برای بررسی تعیین‌کننده‌های فقر به پیروی از بررسی‌های مینوت (۱۹۹۸)؛ بیگستون و همکاران، (۲۰۰۲) و چیروا (۲۰۰۵)، از مدل پروبیت استفاده شده است. همان‌طور که بیان شد،

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۴۷

فرض می‌شود تابع توزیع تجمعی جمله تصادفی در این مدل دارای توزیع نرمال است. بنابراین احتمال P_i انتخاب گزینه یک در مقابل گزینه صفر به صورت رابطه (۴) بیان می‌شود.

$$P_i = \text{prob}[Y_i = 1 | X] = \int_{-\infty}^{x_i \beta} (2\pi)^{-\frac{1}{2}} \exp\left(-\frac{t^2}{2}\right) dt = \Phi(x_i \beta) \quad (4)$$

Y_i متغیر دوتایی بوده که برای افراد فقیر (زیر خط فقر) مقدار یک و برای افراد غیرفقیر مقدار صفر اختیار می‌کند و X_i بردار متغیرهای توضیحی است که شامل ویژگی‌های مختلف خانوارهای مورد بررسی است. با استناد به پیش‌نگاشته‌ها پیرامون فقر و عوامل مؤثر بر آن و همچنین نتایج پژوهش‌های گذشته که به برخی از آن‌ها اشاره شد، از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عوامل سنی و جنسیتی خانوار (شامل بعد خانوار، نسبت افراد مونث به بعد خانوار، نسبت تعداد افراد دارای درآمد به بعد خانوار، نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به بعد خانوار و نسبت افراد باسواد به بعد خانوار)، عوامل و ویژگی‌های فردی سرپرست خانوار (شامل جنس سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار، و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار (شاغل، بیکار و یا خانه دار)، عوامل اقتصادی و مالی و درآمدی خانوار (اندازه زمین در اختیار خانوار، نحوه تملک خانه، تعداد اتاق در خانه، مالکیت تراکتور، اتومبیل شخصی، گاز لوله‌کشی، سطح باغ، تعداد اتاق، مالکیت دام، پس‌انداز یا سایر دارایی‌های بادوام) و عوامل نهادی (شامل استفاده از خدمات بهداشتی و آموزشی روستا، استفاده از تسهیلات، عضویت در تعاونی، فاصله‌ی روستا تا مرکز شهرستان و تحت پوشش بودن نهادهای حمایتی) و عوامل اجتماعی (سرمایه‌ی اجتماعی، رفاه اجتماعی)، که رفاه اجتماعی، عبارت از رضایت فرد از زندگی است (پاروت، ۱۹۹۳). برای سنجش رفاه اجتماعی از ۸ پرسش ۵ گویه‌ای در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. سرمایه اجتماعی فرد در زندگی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی فرد در جامعه است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌هاست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل آسان می‌کند و این نوع از سرمایه را به طور معمول با نرخ مشارکت افراد در زندگی گروهی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸۴). برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی از ۱۰ پرسش ۳ گویه‌ای در طیف لیکرت استفاده شده است.

β بردار پارامترهای مدل است که بایستی برآورد شوند. ارتباط بین یک متغیر توضیحی خاص و پیامد احتمالی انتخاب گزینه مورد نظر یا $P(Y_i=1)$ به کمک اثر نهایی که به صورت تغییر

جزئی در احتمال انتخاب مقدار یک، به ازاء تغییر در متغیر توضیحی مورد نظر تعریف می‌شود تفسیر می‌شود. به عبارت دیگر اثر نهایی همان مشتق تابع برآورد شده نسبت به هر کدام از متغیرهای توضیحی در یک نقطه معین است. اثر نهایی متغیر توضیحی پیوسته X_k بر احتمال رخ دادن گزینه $Y_i=I$ به شرط ثبات سایر متغیرها، از رابطه‌ی (۵) به دست می‌آید.

$$\frac{\partial P_i}{\partial x_{iK}} = \phi(x'\beta)\beta_K \quad (5)$$

و $\phi(x'\beta)$ از رابطه‌ی (۶) محاسبه می‌شود:

$$\phi(x'\beta) = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \exp\left[-\frac{1}{2}(x'\beta)^2\right] \quad (6)$$

ϕ نشان دهنده تابع چگالی احتمال یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد است. علامت اثر نهایی بستگی به علامت β_k داشته و اندازه آن با مقادیر β_k و $x\beta$ تعیین می‌شود. در نتیجه اندازه اثر نهایی به سطوح همه‌ی متغیرهای موجود در ماتریس متغیرهای توضیحی بستگی دارد. برآوردهای متفاوتی از اثرات نهایی می‌تواند از مقادیر مختلف متغیرهای مستقل به دست آید. بهتر است برآورد اثرات نهایی در مقدار میانگین متغیرهای مستقل محاسبه شود (گرین، ۱۹۸۶). چنانچه ماتریس متغیرهای مستقل شامل متغیر مجازی نیز باشد ممکن است اثرات نهایی به طور مناسبی محاسبه نشوند. میانگین متغیر مجازی برای محاسبه اثرات نهایی مناسب نیست زیرا با هیچ کدام از مقادیر مشاهده‌های متغیر مورد نظر همخوانی ندارد. برای حل این مساله روش‌های مختلفی در بررسی‌های کاربردی پیشنهاد شده است. در این میان می‌توان از روشی استفاده کرد که در آن اثر نهایی را در مقادیر صفر و یک متغیر مجازی محاسبه کرده و سپس مقدار این اثر در صفر را از مقدار آن در یک کسر نموده و به عنوان اثر نهایی متغیر توضیحی مورد بررسی در نظر گرفته شود.

در این تحقیق اطلاعات گردآوری شده از پرسشنامه ساختارمند بوده و جامعه آماری در این تحقیق خانوارهای روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. برای تعیین نمونه مورد بررسی، ابتدا با استفاده از جدول نمونه‌گیری پاتن (۲۰۰۲)، تعداد ۴۰۳ خانوار برای این بررسی برگزیده شدند که در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌گزینش شدند. داده‌های موجود از تکمیل پرسشنامه درآمد- هزینه خانوارها در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۸ به دست آمده است.

نتایج و بحث

در این بررسی از هزینه‌های مصرفی خانوار به‌عنوان شاخص استاندارد زندگی استفاده شده و با استفاده از این شاخص، خط فقر تعیین شد. خط فقر غذایی، غیر غذایی و خط فقر کل ماهیانه برای یک فرد بالغ در سال ۱۳۸۸ در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد مطابق جدول (۲)، به ترتیب معادل ۳۳۷/۲، ۱۹۵/۶ و ۵۳۲/۸ هزار ریال به‌دست آمد.

جدول (۲) خط فقر ماهیانه فرد بالغ در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد

نوع خط فقر	اندازه فقر ماهیانه (هزار ریال)	سهم از هزینه‌های خط فقر
خط فقر غذایی	۳۳۷/۲	۶۳/۳
خط فقر غیر غذایی	۱۹۵/۶	۳۶/۷
خط فقر کل	۵۳۲/۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابر جدول (۲)، ۶۳/۳ درصد از فقر کل مربوط به فقر غذایی و ۳۶/۷ درصد آن مربوط به فقر غیر غذایی می‌باشد به بیان دیگر ۶۳/۳ درصد هزینه‌های کل، صرف هزینه‌ی غذا و ۳۶/۷ درصد مربوط به هزینه‌های غیر خوراکی می‌باشد. بر پایه خط فقر به‌دست آمده، شاخص‌های فقر *FGT* برای مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد مطابق جدول (۳) محاسبه شده است. بر این اساس در سال ۱۳۸۸، ۳۲/۳ درصد افراد در منطقه دارای درآمدی کمتر از خط فقر محاسبه شده با روش مذکور هستند. همچنین، شکاف و شدت فقر غذایی در منطقه مورد بررسی، به ترتیب ۹/۶ و ۴ درصد و نسبت شکاف و شدت فقر کل نیز به ترتیب ۸/۶ و ۶/۳ درصد به‌دست آمده است.

جدول (۳) شاخص‌های فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد (درصد)

نوع فقر	سرانه	شکاف	شدت
فقر غذایی	۳۱/۳	۹/۶	۴
فقر کل	۳۲/۳	۸/۶	۳/۶

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۳) نشان می‌دهد که درآمد روستاییان باید به ترتیب به اندازه ۹/۶ و ۸/۶ درصد در هزینه‌های غذایی و غیر غذایی افزایش یابد تا آنها بتوانند از فقر غذایی و مطلق رهایی یابند. شدت فقر نیز نشان‌دهنده عمق فقر و فاصله بین فقیران می‌باشد به ترتیب ۴ و ۳/۶ درصد برای

فقر غذایی و غیر غذایی محاسبه شده است که این نشان می‌دهد توزیع درآمد در بین فقیران تقریباً یکسان است و تفاوت زیادی از لحاظ میزان فقر در بین فقیران وجود ندارد. نتایج به‌دست آمده از برآورد مدل پروبیت عوامل مؤثر بر فقر که با استفاده از نرم‌افزار *Eviews* برآورد شده، در جدول (۴) آمده است. در این گونه مدل‌ها ضریب تعیینی که در مدل‌های رگرسیونی با متغیر وابسته کمی محاسبه می‌شود، کاربرد نداشته و در عوض ضریب تعیین مک فادن برای آنها محاسبه می‌شود. مقدار این ضریب تعیین در مدل معادل ۰/۶۷ به‌دست آمد که نشان از خوبی برازش مدل دارد. اما معیار مهم مورد استفاده در بررسی خوبی برازش این دسته از مدل‌های درصد پیش‌بینی آنهاست. بدین معنی که مدل برآورد شده چند درصد از مشاهده‌ها را در گروه مربوط به خودشان (فقیر و غیرفقیر) قرار داده است. مقدار پیش‌بینی این مدل برابر ۸۶ درصد به دست آمد که گویای این است که مدل توانسته است ۸۶ درصد از خانوارهای مورد بررسی را در همان گروهی که هستند، قرار دهد. وجود مشکل هم‌خطی با توجه به این که بیش از نیمی از ضرایب معنی‌دار هستند، رد می‌شود. آماره هاسمر-لمشو نیز که از معیارهای خوبی برازش در این دسته از مدل‌هاست، گویای خوبی برازش مدل است ($prob=0.43$).

نتایج همچنین گویای این است که از بین متغیرهای سنی و جنسیتی خانوار، متغیر نسبت افراد دارای درآمد دارای بیشترین مقدار اثر نهایی است. به طوری که یک واحد افزایش در نسبت افراد دارای درآمد خانوار، حدود ۲۴ درصد احتمال ابتلا به فقر را کاهش می‌دهد. لازم به یادآوری است از آن‌جا که مقدار یک برای حالتی که خانوار فقیر بوده و مقدار صفر برای خانوار غیرفقیر اختیار شده است، بنابراین علامت منفی ضریب متغیر مورد بررسی، گویای تأثیر منفی آن بر فقر است. چون فقر یک مقوله مربوط به درآمد است، لذا افزایش نسبت افراد دارای درآمد خانوار باعث افزایش درآمد شده و احتمال ابتلا به فقر را کاهش می‌دهد. افزایش یک واحد به نسبت افراد با سواد در خانوار باعث کاهش احتمال ابتلا به فقر در حدود ۱۱ درصد شده است. افزایش در این نسبت، باعث افزایش فرصت‌های بیشتر برای افراد شده که علاوه بر افزایش درآمد آن‌ها، توانایی‌شان برای تخصیص بهتر منابع در خانوار را بالا برده و باعث کاهش فقر می‌شود. نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی دارای تأثیر معنی‌داری بر فقر نبوده و نشان می‌دهد که بازده نهایی آموزش در رابطه با کاهش فقر نزولی است. یعنی هرچند با سواد بودن تأثیر زیادی بر کاهش فقر دارد، اما داشتن تحصیلات بسیار بالا (دانشگاهی) لزوماً فقر را کاهش نمی‌دهد. با یک هکتار افزایش در زمین‌های زراعی، احتمال فقیر بودن به اندازه ۲ درصد کاهش

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۵۱

می‌یابد. چون با افزایش زمین، منبع ایجاد درآمد کشاورز افزایش یافته و از سوی دیگر، به‌ویژه در روستا زمین اعتبار اشخاص را افزایش می‌دهد. بنابراین فرد می‌تواند اعتبارات بیشتری دریافت کرده و به طور کلی احتمال فقیر بودن وی کمتر است. داشتن حمام در خانه نیز با اثر نهایی ۸/۵ درصد، باعث کاهش فقر می‌شود. چون رعایت مسائل بهداشتی، احتمال ابتلا به بیماری‌ها را کاهش داده، بهره‌وری فرد را افزایش می‌دهد، هزینه‌های درمانی کاهش یافته و به طور کلی در جهت کاهش فقر عمل می‌کند. البته رابطه بین این دو متغیر می‌تواند دو سویه باشد. زیرا از طرف دیگر کاهش فقر هم می‌تواند بر داشتن امکانات بهداشتی مثل حمام تأثیر مثبتی داشته باشد. اما چون در این جا فقیر بودن یا نبودن متغیر وابسته است، بنابراین تأثیر داشتن حمام بر احتمال ابتلا به فقر مورد بررسی قرار گرفته است. در رابطه با تأثیر منفی داشتن تراکتور بر احتمال ابتلا به فقر ۱۳ درصد، می‌توان گفت که تراکتور به عنوان یک ابزار کار در اختیار کشاورز بوده و کشاورز با اجاره دادن آن به دیگر کشاورزان ایجاد درآمد کرده و از سوی دیگر، برای عملیات زراعی هم از آن استفاده نموده و بابت این عملیات، هزینه‌ای نمی‌پردازد. البته کاهش فقر هم می‌تواند احتمال داشتن تراکتور را افزایش دهد. در رابطه با تأثیر مثبت اتومبیل بر فقر با اثر نهایی ۶ درصد می‌توان گفت که اتومبیل درآمدی برای فرد ایجاد نمی‌کند و به طور معمول افراد برای خرید آن وام دریافت می‌کنند و بنابراین بخشی از درآمد ماهانه خود را بابت اقساط وام می‌پردازند.

جدول (۴) نتایج برآورد عوامل مؤثر بر فقر در خانوارهای مورد مطالعه

متغیر	ضریب برآورد شده	اثر نهایی	$P[Z > Z]$
ضریب ثابت	۰/۶۲۳		۰/۴۷۵
بعد خانوار	۰/۴۲	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰
نسبت افراد مونث به بعد خانوار	۰/۳۱۱	۰/۰۳۹	۰/۵۴۲
نسبت افراد دارای درآمد به بعد خانوار	-۱/۹۱۱	-۰/۲۳۹	۰/۰۱
تعیین‌کننده‌های سنی و جنسی خانوار			
نسبت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی	۰/۵۰۲	۰/۰۶۳	۰/۴۵۱
نسبت افراد باسواد به بعد خانوار	-۰/۸۸۵	-۰/۱۱۱	۰/۰۱۹
سن سرپرست خانوار	-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۱	۰/۳۰۵
تعیین‌کننده‌های سرپرست خانوار			
تحصیلات سرپرست خانوار	-۰/۱۵۴	-۰/۰۱۹	۰/۱۴۶
وضعیت شغلی سرپرست	۰/۳۰۰	۰/۰۳۷	۰/۲۶۰

ادامه جدول (۴) نتایج برآورد عوامل مؤثر بر فقر در خانوارهای مورد مطالعه

متغیر	ضریب برآورد شده	اثر نهایی	$P[Z > Z]$	متغیر
اندازه زمین زراعی خانوار	-۰/۱۵۶	-۰/۱۵۶	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۱
مالکیت خانه	۰/۲۰۳	۰/۲۰۳	۰/۰۲۵	۰/۰۵۹
سطح باغ خانوار	-۰/۵۵	-۰/۵۵	-۰/۰۶۵	۰/۹۸۵
مالکیت دام خانوار	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۰۲	۰/۹۴۷
تعیین‌کننده‌های درآمدی خانوار	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	۰/۰۰۳	۰/۹۰۱
حمام	-۰/۵۵۸	-۰/۵۵۸	-۰/۰۸۴	۰/۰۲۳
پس‌انداز	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰۷	۰/۷۳۳
تعداد اتاق در خانه	-۰/۳۹۷	-۰/۳۹۷	-۰/۰۴۹	۰/۰۰۴
مالکیت تراکتور	-۱/۰۳	-۱/۰۳	-۰/۱۳۱	۰/۰۵۰
مالکیت اتومبیل	۰/۴۱۵	۰/۴۱۵	۰/۰۶۰	۰/۱۰۳
عضویت در تعاونی	۰/۵۶۱	۰/۵۶۱	-۰/۰۶۹	۰/۰۰۸
استفاده خدمات آموزشی	۰/۹۸۵	۰/۹۸۵	۰/۱۳۵	۰/۰۰۶
استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی	-۰/۱۸۰	-۰/۱۸۰	-۰/۰۲۵	۰/۵۶۳
تعیین‌کننده‌های نهادی	۰/۶۹۳	۰/۶۹۳	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۶
استفاده از تسهیلات	-۰/۶۹۳	-۰/۶۹۳	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۶
استفاده از کمک‌های نهادهای حمایتی	-۰/۵۸۰	-۰/۵۸۰	-۰/۰۸۷	۰/۰۳۱
فاصله تا مرکز شهرستان	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
رفاه اجتماعی	-۰/۳۸۸	-۰/۳۸۸	-۰/۰۴۸	۰/۰۰۰
تعیین‌کننده‌های اجتماعی	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷	۰/۰۱۷۲	۰/۱۸۴
سرمایه اجتماعی	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷	۰/۰۱۷۲	۰/۱۸۴

منبع: یافته‌های تحقیق

البته این اثر در رابطه با مالکیت اتومبیل معنی‌دار نمی‌باشد و جهت تأثیر آن نیز مثبت است، ولی در رابطه با تراکتور ضمن معنی‌دار شدن اثر این متغیر بر کاهش فقر جهت تأثیر آنی نیز منفی است، به بیان دیگر مالکیت تراکتور به اندازه ۱۳/۱ درصد احتمال فقیر بودن را کاهش می‌دهد. تعیین‌کننده‌های نهادی نیز نتایج قابل تأملی را نشان داده‌اند. از بین تعیین‌کننده‌های نهادی عضویت در تعاونی، استفاده از تسهیلات و استفاده از کمک نهادهای حمایتی تأثیر منفی بر احتمال فقیر بودن افراد دارند. عضویت در تعاونی با اثر نهایی حدود ۷ درصد تأثیر منفی بر احتمال فقیر شدن افراد دارد. زیرا با عضویت در تعاونی، افراد از امکاناتی مثل خرید ارزان‌تر نهاده‌ها و همچنین دیگر نیازمندی‌های زندگی بهره‌مند شده و گاهی می‌توانند وام‌های

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۵۳

قرض الحسنه دریافت کنند. پس تأثیر منفی این متغیر بر احتمال کاهش فقر منطقی به نظر می‌رسد. برخورداری از تسهیلات نیز دارای اثر منفی و به اندازه حدود ۷ درصد است. با توجه به تورم بسیار بالا دریافت تسهیلات هم به سود دریافت‌کنندگان آن بوده و بنابراین کالای خریداری شده با کمک این تسهیلات که گاهی دارایی‌های مولد مثل تراکتور، کمباین یا دام هستند به عنوان سپری در مقابل تورم عمل کرده و در جهت کاهش فقر خانوار عمل می‌کنند. کمک نهادهای حمایتی نظیر کمیته امداد با اثر نهایی حدود ۹ درصد کاهش احتمال ابتلا به فقر را در پی دارد. چون این کمک‌ها به طور مستقیم درآمد خانوار را متأثر می‌کند، بنابراین طبیعی است که در جهت کاهش فقر و با اثر نهایی بالاتر از تسهیلات عمل نماید. فاصله تا مرکز شهرستان تأثیر مثبت بر فقر افراد دارد. زیرا روستاهایی که به مراکز شهری نزدیک‌تر هستند، به طور معمول از امکانات بیشتری (آب، برق، گاز، جاده و...) برخوردارند و افراد راحت‌تر می‌توانند شغل مناسب‌تری پیدا کنند. تعیین‌کننده‌های اجتماعی نیز نشان داده‌اند که رفاه اجتماعی اثر معنی‌داری بر فقر داشته و جهت تأثیر آن نیز منفی بوده است. اثر نهایی این متغیر نشان داده است که افزایش رفاه اجتماعی باعث احتمال کاهش فقر به میزان ۴/۸ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به بررسی نتایج به دست آمده می‌توان گفت که بعد خانوار، نسبت افراد دارای درآمد به بعد خانوار، نسبت افراد با سواد به بعد خانوار، مالکیت زمین زراعی خانوار، داشتن حمام، تعداد اتاق خانه، مالکیت تراکتور، رفاه اجتماعی، فاصله تا مرکز شهرستان، استفاده از کمک‌های نهادهای حمایتی، عضویت در تعاونی و استفاده از تسهیلات بانکی را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. لذا با توجه به نتایج حاصل از این بررسی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

با توجه به این که نسبت افراد دارای درآمد به بعد خانوار یکی از متغیرهای مؤثر بر فقر می‌باشد، لذا برنامه‌هایی برای ایجاد زمینه اشتغال مناسب در مناطق روستایی استان می‌تواند منجر به کاهش فقر شود.

با توجه به این که فقر غذایی در مقایسه با فقر غیرغذایی بالاتر می‌باشد و در مناطق فقیر و در حال توسعه سهم عمده‌ای از درآمد خانوار صرف خرید مواد غذایی می‌شود لذا برنامه‌هایی برای بهبود تغذیه در مناطق روستایی می‌تواند منجر به کاهش فقر در این مناطق شود.

بعد خانوار یکی از متغیرهای مؤثر بر فقر می‌باشد به گونه‌ای که افزایش بعد خانوار منجر به افزایش فقر می‌شود، با توجه به اینکه نرخ رشد جمعیت در استان و به طور خاص در مناطق روستایی در مقایسه با دیگر استان‌های کشور بالاتر است لذا، آموزش و تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی و اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت می‌تواند منجر به کاهش بعد خانوار و به تبع آن کاهش فقر شود.

متغیر رفاه اجتماعی یکی از متغیرهایی است که بر کاهش فقر مؤثر می‌باشد و از سوی دیگر این متغیر بین دو گروه فقیر و غیرفقیر اختلاف معنی‌داری را نشان داده است، لذا برنامه‌های آموزش و بهبود رفاه اجتماعی باعث کاهش فقر می‌شود.

منابع

- باقری، ف.، دانش‌پژوه، ن. و کاوند، ح. (۱۳۸۶) روند فقر و شاخص‌های فقر در ایران. گزیده مطالب آماری. ۱۸(۲): ۷۱-۸۲.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران. نشر شیرازه. ۱۹۵ صفحه.
- چمبرز، ر. (۱۳۷۶) توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا. ترجمه: م. ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران. ۲۲۳ صفحه.
- حسن‌زاده، ع. (۱۳۷۹) عوامل مؤثر بر فقر: مطالعه‌ی موردی ایران. پایان‌نامه دوره دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
- خالدی، ک و پرمه، ز. (۱۳۸۴) بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵). اقتصاد کشاورزی و توسعه. ۴۹: ۵۷-۸۹.
- خداداد کاشی، ف. و حیدری، خ. (۱۳۸۸) اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی. پژوهش‌نامه اقتصادی. ۹(۳): ۲۰۵-۲۳۱.
- دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی استانداری کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۸۸). سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد. آدرس سایت <http://www.ostan-kb.ir>
- شوشتریان، آ. (۱۳۸۶) بررسی نهادهای تعیین کننده‌ی فقر روستایی با تاکید بر تعاونی‌های روستایی زنان در استان فارس. اقتصاد کشاورزی. ۳: ۲۷۰-۲۵۰.

بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی... ۱۵۵

عرب‌مازار، ع. و حسینی‌نژاد، م. (۱۳۸۳) برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای ایرانی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۴۵): ۱۱۷-۱۱۳.

عظیمی، ح. (۱۳۷۱) مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی. ۲۰۲-۲۱۲

کرمی، آ. اسماعیلی، ع. و نجفی، ب. (۱۳۸۸). بررسی توزیع منافع یارانه غذا در ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی. ۳(۱)، ۱۸۳-۱۶۱.

عمرانی، م.، فرج‌زاده، ذ. و دهمرده، م. (۱۳۸۸). عامل‌های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی و شهری ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۲: ۴۲-۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲) سند چشم‌انداز بیست ساله افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. آدرس سایت <http://www.majlis.ir>

- Ahmed, F. (2004) Practices of poverty Measurement and Poverty Profile of Bangladesh, Asian Development Bank, ERD Working. 54: 1-36.
- Bigsten, A., Kebede, B. and Shimeles, A. (2002). Growth and poverty reduction in Ethiopia: Evidence from household panel surveys. World Development. 31(1): 87° 106.
- Chirwa, E.W. (2005) Microeconomic policies and poverty reduction in Malawi: Can we infer from panel data, Global Development Network (GDN), research report. Available in: www.imf.org/external/np/res/seminars/2005/macro/pdf/chirwa.pdf
- Duclos, J. Y., Araar, A. and Fortin, C. (1999) «DAD: A Software for Distributive Analysis/ Analyse distributive», MIMAP programme, International Development Research Centre, Government of Canada and CREFA, Université Laval.
- Duclos, J.Y. and Araar, A. (2006) Poverty and Equity Measurement, Policy, and Estimation with DAD, Berlin and Ottawa: Springer.
- Decron, S. and Krishnan, P. (1998) Changes in poverty in rural Ethiopia 1989-1995: Measurement, robustness tests and decomposition. Working Paper Series, 98:7, Centre for the Study of African Economies, Institute of Economics and Statistics, University of Oxford, 1998 - 42 pages. Available in: www.csae.ox.ac.uk/workingpapers/pdfs/9807text.pdf Similar
- Foster, J. E., Greer, J. and Thorbecke, E. (1984) A class of decomposable poverty measures, *Econometrica*, 52: 761-776.
- Gartton, B. (1996). The poverty and impoverishment theory, *Journal and Economic History*.

- Greene, W. (2000). *Econometrics Analysis*, 4th ed., prentice Hall, Englewood Cliffs.
- Haddad, L. and Ahmed, A. U. (2002). *Avoiding chronic and transitory poverty: Evidence from Egypt, 1997-99.*, FCDD cccciiii on Paer, ... 133, <http://www.ifpri.org>.
- Okurut F. N., Odwee, J.J.A.O. and Adebua, A. (2002) *Determinants of regional poverty in Uganda*, African Economic Research Consortium (AERC). 122: 1-33.
- Minot, N. (1998) *Generating disaggregated poverty maps: an application to Vietnam*, International Food Policy Research Institute. 25: 31-33.
- Mukherjee, S. and Benson, T. (2003). *The determinants of poverty in Malawi*, World Development. 31(2): 339° 358.
- Pavot W, diener E. (1993) *Review of the satisfaction with life scale*. Psychological Assessment 1993;5:164-172.
- Patten, M. L. (2002) *Proposing Empirical Research. A guide to the fundamentals*, Los Angeles: Pyrczak Publishing.

